کلمات عربی در شاهنامه فردوسی

جمال زاده، سید محمد علی

(1)-آلت و آلات را میتوان یک کلمه بشمار آورد.

(2)-این کلمه اصلا یونانی است و در عربی الف و لام بر آن افزوده شده و بصورت الماس درآمده است.

وحید » شماره 31 (صفحه 553)

(1)-معرب

(2)-تاج معرب است و«تاج‏آور»و«تاج‏بخش»و«تاج‏خواه»و«تاجدار»و«تاجدارنده» و«تاجداری»و«تاجوار»و«تاجور»هم در«شاهنامه»،آمده است.

(3)-بعضی از کسان این کلمه را فارسی و از«تاریک»دانسته‏اند ولی ظاهرا اساسی ندارد.

وحید » شماره 31 (صفحه 554)

(1)در«شاهنامه»تمام کلماتی که با«ح»شروع میشود عربی است.

(1)-این کلمه را بعضی از محققین پارسی دانسته‏اند یعنی از ریشهء پارسی(رجوع شود بمقالهء محققانهء استاد محترم محیط طباطبائی در روزنامهء«پارس»(شیراز)شمارهء 29 فروردین 1345

(2)و(3)-معرب

(3)-مشترک بین ایرانی و سامی

وحید » شماره 31 (صفحه 556)

(1)-معرب

(2)-مشترک بین ایرانی و سامی.

(3)-این کلمه را فارسی هم دانسته‏اند.

(1)-این کلمه را مشترک فارسی و عربی دانسته‏اند.

(2)و(3)-معرب